

بررسی اختلالات شخصیت (خودشیفته، ضداجتماعی، وابسته) بین زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی شهر تهران

فاطمه احمدی<sup>۱</sup>، مریم طلائى<sup>۲</sup>، مهران محبىان فر<sup>۳</sup>، محمد رضا على پور خسروآبادى<sup>۴</sup>، رضا شاهی‌وندی<sup>۵</sup>، امیرعلی رجنى<sup>۶</sup>

۱ کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه، اصفهان، ایران.  
[ghazalahmadi76fk@gmail.com](mailto:ghazalahmadi76fk@gmail.com)

۲ کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه، اصفهان، ایران.  
[Maryam1481.talaei@gmail.com](mailto:Maryam1481.talaei@gmail.com)

۳ کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، اهواز، ایران.  
[mehran.mohebian@gmail.com](mailto:mehran.mohebian@gmail.com)

۴ کارشناسی ارشد روان‌شناسی کودکان استثنایی، دانشگاه تهران، ایران.  
[babazahed1348@gmail.com](mailto:babazahed1348@gmail.com)

۵ کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن تهران، ایران.  
[mehanmohebi@gmail.com](mailto:mehanmohebi@gmail.com)

۶ کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرنند، کرمان، ایران.  
[amirali.rajani1996@yahoo.com](mailto:amirali.rajani1996@yahoo.com)

### چکیده

ویژگی‌های شخصیتی یکی از عوامل مهم اثرگذار بر رضایت زوجین می‌باشد و برخی از ویژگی‌های شخصیتی تنشها و تعارضات را بین زوجین افزایش می‌دهد. هدف پژوهش حاضر بررسی اختلالات شخصیت (خودشیفته، ضداجتماعی، وابسته) بین زوجین متقاضی طلاق زوجین عادی شهر تهران بود. روش پژوهش، توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری شامل کلیه زوجین متقاضی طلاق شهر تهران که به مراکز مشاوره این شهر مراجعه کرده بودند و به صورت در دسترس انتخاب شدند. تعداد ۱۰۰ نفر (۵۰ متقاضی طلاق و ۵۰ نفر عادی) به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه بالینی چند محوری میلیون ۳ استفاده گردید. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و آزمون تی مستقل استفاده شد. نتایج نشان داد بین دو متغیر اختلال شخصیت خودشیفته و وابسته بین متقاضیان طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد. اما بین اختلال شخصیت ضداجتماعی بین متقاضیان طلاق و زوجین عادی تفاوت معناداری وجود ندارد. پس می‌توان از این نتایج در مشاوره‌های پیش از ازدواج و مراکز مشاوره استفاده کرد.

کلمات کلیدی: اختلالات شخصیت، خودشیفته، ضداجتماعی، وابسته، طلاق

## مقدمه:

خانواده به لحاظ قدمت ابتدایی ترین و از لحاظ گستردگی جهان شمول ترین نهاد اجتماعی است (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۶). همچنین از نخستین نظام های نهادی عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندی های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارد (شرقی ۱۳۸۳) روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب تر باشد خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است. (اعزاز، ۱۳۸۷). زوجین معمولاً به امید تعاملات گرم زندگی تشکیل می دهند اما آنچه در واقعیت دیده می شود این است که روابط عاطفی در آغاز زندگی اغلب با شور و حرارت خاصی وجود دارد، اما پس از مدتی به علت ناآگاهی و غفلت یکی از طرفین یا هر دو، عواطف فروکش می کند و به تدریج که این وضعیت تشدید می شود زندگی رو به سردی می گراید (اسکافی و ترکمان، ۱۳۹۴) و زمینه برای طلاق مهیا می گردد. از طرفی ثبات در ازدواج و نیز رضایت از زندگی زناشویی از جمله مواردی است که تامین کننده بهداشت روانی خانواده و در نتیجه بهداشت روانی جامعه است (حسینی، جمهری، ۱۳۹۷). رضایت زناشویی بعنوان یکی از پیامدهای ازدواج، وضعیتی پایدار از شادمانی است که با تعامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، توافق در مورد مسائل گوناگون، رضایت جنسی و ایجاد شرایط مناسب به دست می آید. رضایت زناشویی یک متغیر روانشناختی است و به عنوان یک ویژگی فردی برای زوجین در نظر گرفته می شود (همان منبع). اما سوال اینجا است که چه عواملی می تواند باعث ازدواج سالم شود. کدام عوامل زوجها را در یک رابطه باثبات و توام با رضایت قرار می دهد. پژوهشگران پیشین برای پاسخ به سوالاتی از این قبیل و تشخیص متغیرهای تاثیرگذار بر ثبات و رضایت از ازدواج مطالعات متعددی را انجام داده اند و در این میان، شخصیت و صفات شخصیتی از جمله عوامل مهم که بر کیفیت روابط زوجین تاثیرگذار بوده اند، شناخته شده اند (چارانیا، ۲۰۰۷). هر یک از ویژگیهای افراد الگوهای خاص رفتاری و عملکردی را به آنها تحمیل می کند، به گونه ای که ابعاد شخصیتی هر یک از زوجین می تواند به عنوان یک عامل تنش زا در روابط زناشویی آنها مداخله کند. نتایج بسیاری از پژوهشها مثل رازقی و همکاران (۱۳۹۰) و کافمن (۲۰۱۱) نشان می دهند که ویژگیهای شخصیتی زوجین، از جمله موثرترین عوامل در میزان رضایت از زندگی است و در تبیین تغییرات رضایت زناشویی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. همچنین الغنمی (۲۰۱۴) در تحقیقی دیگر به بررسی تاثیر اختلالات شخصیت بر کیفیت زندگی پرداخت. نتایج نشان داد

داد که وضعیت زناشویی و اشتغال رابطه معناداری با کیفیت زندگی بیماران داشت. علاوه بر این بیماران که دارای اختلالات چندگانه بودند به طور معناداری سطح کیفیت زناشویی پایینی داشتند. در کل شخصیت یکی از عوامل مهمی است که می تواند در کیفیت زندگی و به تبع آن رضایت یا عدم رضایت زناشویی و طلاق نقش مهمی داشته باشد. آلپورت شخصیت را عبارت از سازماندهی پویایی نظامهای روانی فیزیولوژی درون فرد که سازگاری منحصر به فرد وی را نسبت به جهان تعیین می کند، تعریف می کند (کریسنی، ۱۹۹۹). اختلالات شخصیت با اختلالات روانی از قبیل روان رنجوری و روان پریشی تفاوت دارند. این الگوهای اختلالی رفتارهایی هستند که برای دیگران زیان آور بوده یا منبع پاداش دهنده آنها از نظر اجتماعی مضر یا غیر قانونی شناخته شده است (عروجی، ۱۳۹۵). اما بسیاری از اختلالات شخصیت در نگاه مردم ناشناخته است و بسیاری از افرادی که برای دریافت درمان به کلینیک های روانشناسی و روانپزشکی مراجعه می کنند برای دریافت مشاوره و درمان برای سایر علایم و شکایات آنها می باشد و در واقع نه خود که دیگران نیز از آنها بی اطلاع هستند. اختلالهای شخصیت، الگوهای صفت ویژه ناساگاز و غیر قابل انعطاف هستند و شخص را از عملکرد درست در جامعه باز می دارند. رفتار شخص غالباً روابط اجتماعی وی را مختل می سازد. اختلالات شخصیت شامل انواع گوناگون است (حسینی، جمهوری، ۱۳۹۷). یکی از انواع اختلال شخصیت، شخصیت خودشیفته می باشد. شخصیت خودشیفته با نشانه های احساس خود بزرگ بینی، اشتغال ذهنی با تخیلات موفقیت، قدرت، استعداد، زیبایی و اعتقاد به این که فردی استثنایی و خاص است، احساس همه توانی، استشارگر بودن در روابط بین فردی، فقدان همدلی و نیاز به تمجید افراطی خود مشخص می شود (سادوک و سادوک، ترجمه گنجی، ۱۳۹۴). ملاکهای DSM-5 برای اختلال شخصیت خودشیفته الگوی فراگیر بزرگ منشی در عالم خیال یا رفتار، نیاز به تحسین او و فقدان همدلی که در اوایل بزرگسالی شروع می شود و در زمینه های مختلف وجود دارد، به صورتی که با پنج یا تعداد بیشتری از موارد زیر نمایان می شود. ۱ - احساس اهمیت شخصیت بزرگ منشا نه ای دارد (مثل موفقیت ها و استعدادهای اغراق آمیز، انتظار دارد بدون موفقیت های مناسب، به عنوان فرد برتر شناخته شود) ۲ - دل مشغول خیال پردازی های موفقیت، قدرت، ذکاوت، زیبایی، یا عشق ایده آل نامحدود است. ۳ - معتقد است که او "استثنایی" و بی نظیر است و فقط توسط افراد یا نهادهای استثنایی یا عالی مهم می تواند درک شود، یا باید با آنها معاشرت کند. ۴ - به تحسین بیش از حد نیاز دارد. ۵ - احساس سزاواری دارد یعنی انتظارات نامعقول در مورد برخورد بسیار مطلوب یا اطاعت خود کار از توقعات او. ۶ - از لحاظ میان فردی بهره کش است، یعنی برای رسیدن به هدف های خودش از دیگران سوء استفاده می کند. ۷ - فقدان همدلی: تمایلی برای درک یا شناخت احساسات و نیازهای دیگران ندارد. ۸ - اغلب به دیگران حسادت می کند یا معتقد است دیگران به او حسد می ورزند (فرانسس، ترجمه منصوری راد، ۱۳۹۲). اختلال شخصیت بعدی ضد اجتماعی است. ASPD، نوعی اختلال شخصیت است که در آن فرد نمی تواند با موازین اجتماعی سازگار شود و در قبال رفتارهایش احساس گناه و اضطراب ندارد. مشخصه این اختلال، اعمال مداوم ضد اجتماعی یا خلاف قانون است. اما این اختلال مترادف با بزهکاری نیست. و این اختلال به عنوان اختلال شخصیت مردم ستیز شناخته می شود (سادوک و سادوک، ترجمه گنجی، ۱۳۹۴). ملاک های DSM-5 برای اختلال شخصیت ضد اجتماعی الگوی فراگیر نادیده گرفتن و نقض کردن حقوق دیگران، که از 15 سالگی روی می دهد، به طوری که توسط سه یا تعداد بیشتری از موارد زیر نمایان می شود. ۱ - ناتوانی در پیروی کردن از هنجارهای اجتماعی در رابطه با رفتارهای قانونمند، که با انجام دادن مکرر اعمالی نمایان می شود که موجباتی برای دستگیری هستند. ۲ - فریب کاری به صورتی که با دروغگویی، استفاده از نام مستعار، یا کلاهبرداری از دیگران برای نفع یا لذت شخصی نمایان می شود. ۳ - تکانشگری یا ناتوانی در از پیش برنامه ریزی کردن. ۴ - تحریک پذیری و پرخاشگری به صورتی که با کتک کاری ها یا حملات مکرر نمایان می شود. ۵ - بی توجهی بی پروا در مورد ایمنی خود یا دیگران. ۶ - غیرمسئول بودن مداوم، به صورتی که با ناتوانی مکرر در نگهداشتن رفتار شغلی ثابت یا بازپرداخت تعهدات مالی نمایان می شود. ۷ - عدم پشیمانی، به صورتی که با بی تفاوت بودن نسبت به آزار دادن، بد رفتاری کردن، یا دزدی از دیگران یا توجیه کردن آنها نمایان می شود (فرانسس، ترجمه منصوری راد، ۱۳۹۲). سومین اختلال شخصیت اختلال وابسته می باشد. افراد مبتلا به اختلال شخصیت وابسته نیاز مفرط دارند که دیگران به او رسیدگی کنند و این باعث می شود رفتار مطیعانه و چسبنده در

پیش بگیرند و از جدا شدن بترسند، این نیاز به وابستگی در شرایط و موقعیت های مختلف حضور دارد، به عنوان مثال فرد در تصمیم گیری های روزمره به توصیه و دلگرمی دیگران به شدت نیاز دارد، به دیگران نیاز دارد تا مسئولیت اکثر زمینه های زندگی او را بر عهده بگیرند، نمی تواند مخالفت خود با دیگران را اعلام کند زیرا می ترسد حمایت یا تأیید آن ها را از دست بدهد، نمی تواند برای انجام دادن پروژه ها پیش قدم شود، یا به تنهایی نمی تواند کاری را انجام دهد، وقتی تنها می شود احساس معذب بودن یا درماندگی می کند زیرا به شدت و به طور اغراق آمیز می ترسد که نتواند از عهده مراقبت از خودش برآید. این افراد به طرز غیرمنطقی و غیرواقع بینانه می ترسند تنها بمانند و مجبور شوند به تنهایی از خودشان مراقبت به عمل آورند(حسینی، جمهوری، ۱۳۹۷). ملاکهای DSM-5 برای اختلال شخصیت وابسته عبارتند از: نیاز فراگیر و بیش از حد به مراقبت شدن که به رفتار سلطه پذیر و متکی بودن و ترس از جدایی منجر می شود. اوایل بزرگسالی شروع می شود و در زمینه های مختلف وجود دارد، به صورتی که با پنج یا تعداد بیشتر از مورد زیر نمایان می شود: ۱ - بدون مقدار زیادی مشورت با دیگران و اطمینان آفرینی آنها در تصمیم گیری های روزمره مشکل دارد. ۲ - نیاز دارد دیگران مسئولیت اغلب زمینه های مهم در زندگی او را برعهده بگیرند. ۳ - در ابراز مخالفت با دیگران مشکل دارد، زیرا می ترسد کمک یا تأیید آنها را از دست بدهد. ۴ - در شروع کردن پروژه ها یا انجام دادن کارها به طور مستقل مشکل دارد (به علت فقدان اعتماد به نفس در قضاوت کردن یا تواناییها و نه فقدان انگیزش یا انرژی) ۵ - برای کسب مهرورزی و کمک دیگران از هیچ کوششی فروگذار نمی کند، تا حدی که داوطلب انجام دادن کارهایی می شود که ناخوشایند هستند. ۶ - وقتی تنهاست، به علت ترس اغراق آمیز از اینکه نتواند از خودش مراقبت کند، احساس ناراحتی یا درماندگی می کند. ۷ - وقتی رابطه نزدیکی قطع میشود. فوراً رابطه دیگری را به عنوان منبع مراقبت و حمایت جستجو می کند. ۸ - به صورت نامعقولی دلمشغول ترس از رها شدن به حال خودش برای مراقبت کردن از خویش است(فرانسیس، ترجمه منصوری راد، ۱۳۹۲). با توجه به مطالب عنوان شده، یکی از مهمترین عوامل مورد بحث در امر ازدواج و طلاق، مسئله رضایت از روابط زناشویی است و با توجه به تاثیر ویژگی های شخصیتی، به عنوان شاخص کلیدی مطرح، به نظر می رسد که بررسی اختلالات شخصیت بر رضایت از روابط زناشویی و در نتیجه احتمال طلاق، یک مسئله مهم و ضروری است. بدون شک شناسایی عوامل مؤثر می تواند به مسئولین مربوطه در جهت برنامه ریزی برای پیشگیری از این مساله بزرگ اجتماعی کمک کننده باشد. پس با توجه به اهمیت استحکام ازدواج و خانواده و همچنین اثرات عمیق ویژگیهای شخصیتی بر این پیامد مهم، هدف از پژوهش حاضر این است که آیا اختلالات شخصیت(خودشیفته، ضداجتماعی، وابسته) بین زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی شهر تهران تفاوت معناداری دارند؟

## روش پژوهش:

این پژوهش توصیفی از نوع علی-مقایسه ای بوده است.

## جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری:

جامعه ی آماری این پژوهش، شامل کلیه متقاضیان طلاق که در شش ماهه نخست سال ۹۹ به مراکز مشاوره شهر تهران مراجعه کردند. از این افراد ۱۰۰ نفر (۵۰ نفر متقاضی طلاق و ۵۰ نفر غیر متقاضی طلاق) به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ملاک های ورود شامل برخورداری از سلامت جسمانی -روانی و داشتن سطح سواد حداقل دیپلم بود. ملاک های خروج هم عدم تکمیل پرسشنامه و عدم همکاری با پژوهشگر بود.

## ابزار اندازه گیری:

پرسشنامه چند محوری بالینی میلیون<sup>۵</sup> یک پرسشنامه خودسنج استاندارد شده است که دامنه گسترده ای از اطلاعات مربوط به شخصیت را می سنجد. این پرسشنامه برای بزرگسالان بالای ۱۱ سال که دست کم توانایی خواندن آنان تا سطح کلاس هشتم است طراحی شده است. پرسشنامه شامل بررسی شخصیت و عوامل بالینی است. نسخه اصلی این آزمون در سال ۱۹۷۷ توسط

5- Inventory Multiphasic Personality Minnesota(MCMI)

میلون تدوین شد. پرسشنامه شامل ۱۷۵ سؤال بله خیر است و شامل ۲۴ مقیاس بالینی و ۳ مقیاس تعدیل کننده است. نمره های ۸۵ و بالاتر نشانگر برجستگی آن اختلال است. چگینی و هوشمند (۱۳۹۲) ویژگی های روان سنجی آزمون را بررسی و تحلیل داده ها نشان داده است که پایایی به روش آلفای کرونباخ ۰/۶۴-۰/۸۹ بدست آمده است. برای بدست آوردن و جمع آوری داده ها پرسشنامه ها توسط نمونه ها تکمیل شد و داده ها توسط نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

### شیوه اجرا:

ابتدا به مراکز مشاوره در دستری در شهر تهران مراجعه شد و تعداد ۵۰ نفر از افرادی که در شش ماهه نخست سال ۹۹ به مراکز مشاوره برای مشکلات زناشویی و آماگی برای طلاق مراجعه کرده بودند، به صورت در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. همچنین تعداد ۵۰ نفر از افرادی که زندگی عادی داشتند نیز به صورت در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. سپس همه ی نمونه ها پرسشنامه چند محوری بالینی میلون را تکمیل کردند. سپس داده های بدست آمده توسط نرم افزار SPSS و آزمون تی دو نمونه مستقل تجزیه و تحلیل شد.

### یافته های پژوهش:

داده های بدست آمده در دوسطح آمار توصیفی و استنباطی بررسی می شود.

جدول ۱-۱: جدول توصیفی

سن	گروه	میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری
	متقاضی طلاق	۳۲,۷۸	۶,۹۹	۰,۰۰۰۱
	غیر متقاضی	۳۱,۴۵	۶,۲۲	

با توجه به جدول فوق میانگین سن افراد متقاضی طلاق ۳۲,۷۸ و افراد غیر متقاضی ۳۱,۴۵ می باشد. همچنین انحراف معیار افراد متقاضی ۶,۹۹ و افراد غیر متقاضی ۶,۲۲ می باشد.

با توجه به اینکه متغیر وابسته از نوع کمی با توزیع نرمال بوده است به همین دلیل برای مقایسه میانگین این متغیرهای کمی در سطوح متغیر کیفی دو حالت از آزمون تی دو نمونه مستقل استفاده گردید که نتایج به شرح زیر است:

جدول ۱-۲: مقایسه الگوهای شخصیت در دو گروه

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون	سطح معنی داری
خود شیفته	متقاضی طلاق	۴۲,۶۷	۲۲,۱۳	-۲,۰۱۹	۰,۰۴۶
	غیر متقاضی	۵۰,۴۰	۱۷,۷۷		
ضداجتماعی	متقاضی طلاق	۲۲,۷۱	۱۷,۳۴	۰,۶۰۴	۰,۵۴۷

		۱۵,۷۶	۲۴,۶۲	غیر متقاضی	
	۰,۰۰۱	۲۴,۳۵	۳۶,۰۴	متقاضی طلاق	وابسته
	۳,۵۶۸	۱۸,۸۴	۲۱,۱۵	غیر متقاضی	

با توجه به نتایج جدول فوق بین دو متغیر اختلال شخصیت خودشیفته و وابسته بین متقاضیان طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد. اما بین اختلال شخصیت ضداجتماعی بین متقاضیان طلاق و زوجین عادی تفاوت معناداری وجود ندارد.

### بحث و نتیجه گیری:

هدف از پژوهش حاضر بررسی اختلالات شخصیت (خودشیفته، ضداجتماعی، وابسته) بین زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی شهر تهران می باشد. در این پژوهش ابتدا نمونه ها به صورت در دسترس انتخاب شدند و داده ها توسط پرسشنامه چند محوری بالینی میلون جمع اوری و توسط SPSS تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد، بین دو متغیر اختلال شخصیت خودشیفته و وابسته بین متقاضیان طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد. اما بین اختلال شخصیت ضداجتماعی بین متقاضیان طلاق و زوجین عادی تفاوت معناداری وجود ندارد. نتایج این فرضیه با تحقیقات ذیل همسو می باشد. ولیئی و همکاران (۱۳۹۸)، شاهمرادی (۱۳۹۵)، ارفعی و همکاران (۲۰۱۲)، آرپه<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۱۱)

در تبیین این فرضیه می توان گفت: عوامل مختلفی می توانند طلاق را به طرز قابل توجهی تحت تأثیر قرار دهند و در این میان تمرکز بر عوامل شخصیتی و روانی زوجین دارای اهمیت فراوانی است. در رابطه با شخصیت خود شیفته، خودشیفتگی باعث می شود میان نقش های زناشویی تعادل برقرار نشود. یک فرد خودشیفته هیچ گاه نمی تواند واقعیت را درباره خودش ببیند و مسئولیت نقش خود را به عهده بگیرد. در بسیاری از موارد، وقتی اشتباهی رخ می دهد یا هر نوع اختلاف دیگری ایجاد می شود، او هرگز خودش را سرزنش نمی کند و همیشه تمایل دارد نقش قربانی را بازی کند. افزون بر این، افراد خودشیفته همیشه خواهان تماشاچیان هستند که بتوانند برای آن ها نقش قربانی را بازی کنند؛ بنابراین افراد دیگری را نیز وارد مشکلات خود می کنند. در نتیجه شریک زندگی این افراد هیچ گاه احساس امنیت نمی کند، زیرا همیشه موضوعات محرمانه خانوادگی اش در اختیار دیگرانی قرار می گیرد که می توانند گوشی شنوا باشند. افراد وابسته هم قادر به تصمیم گیری نیستند و حتی برای کوچک ترین تصمیم گیری های روزانه خود به کمک دیگران نیاز دارند. این کمک را هم معمولاً از کسی می گیرند که وابستگی خاصی به او دارند. افراد وابسته مسئولیت امور زندگی شان را نمی پذیرند و آن را به عهده افراد دیگر می گذارند. از مخالفت با دیگران هراس دارند و سعی می کنند نظر خودشان را نگویند، چون ممکن است این کار باعث طرد شدن و از دست رفتن رابطه وابسته شان شود. اما شخصیت ضد اجتماعی که نتایج تحقیق نشان داد تفاوتی بین دو گروه ندارد، ممکن است به علت نمونه گیری نادرست و یا همگن نبودن افراد نمونه باشد. در کل بزرگسالانی که دارای این اختلال هستند، تمایل به روابط ناپایدار دارند که با تعارض همراه است و احتمال اینکه ازدواج کنند کم است و در صورت ازدواج میزان بالایی از خشونت های خانگی، طلاق و بد سرپرستی را تجربه می نمایند. ویژگی اصلی آنها عدم رعایت حقوق دیگران و بی احترامی به دیگر افراد است. این ویژگی در کودکی آغاز می شود و در بزرگسالی ادامه می یابد. این افراد افرادی خوش برخورد، با جذابیت ظاهری و سطحی، با هوش هستند در برخورد اول طرف مقابل را جذب می کنند. همچنین رفتارهای این افراد نشان می دهد

که در زندگی خود برنامه خاصی ندارند یا در زندگی آنها نظم و نظام خاصی وجود ندارد. که خود باعث مشکل در روابط زناشویی و رضایت در زندگی می شود. پس با توجه به اهمیت این موضوع در نهاد خانواده و تاثیرات آن بر جامعه پیشنهاد می گردد که از نتایج این پژوهش در مراکز پیش از ازدواج و همچنین مراکز مشاوره و روانشناسی استفاده گردد. و به پژوهشگران نیز توصیه می گردد این موضوع را با جامعه های دیگر و تعداد نمونه ی بیشتر مورد پژوهش و بررسی قرار دهند. از محدودیت های این پژوهش هم می توان به شیوع ویروس کرونا و عدم دسترسی کامل به نمونه ها عنوان کرد.

#### الف) منابع فارسی

- اسکافی، مریم، ترکمان، فرح. (۱۳۹۴). سنجش و سنخ شناسی طلاق عاطفی در شهر مشهد، پژوهش نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره چهارم، صفحات ۱۹ تا ۲۶
- عزازی، ش. (۱۳۸۷). جامعه شناسی خانواده، تهران: روشنگران و مطالعات زنان
- حسینی، مطهره؛ جمهری، فرهاد (۱۳۹۷). بررسی رابطه اختلالات شخصیت با رضایت زناشویی زوجین، پنجمین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، ۱-۳۰.
- خدایاری فرد، م.، شهبانی، ر.، اکبری زردخانه، س. (۱۳۸۶). رابطه نگرش مذهبی با رضایت مندی زناشویی در دانشجویان متأهل، خانواده پژوهی ۱۰، ۶۲۰-۶۱۱.
- رازقی، ن.، نیکی جو، م.، کراسکیان موجمباری، آ.، ظهراهی مسیحی، آ. (۱۳۹۰). رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت با رضایت زناشویی. روانشناسی تحولی، ۲۷: ۲۶۹-۲۷۸.
- شاهمرادی، سمیه (۱۳۹۵). پیش بینی طلاق بر اساس صفات شخصیتی، اختلالات روانی و ویژگیهای جمعیت شناختی، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۱(۳۵): ۶۱-۸۰.
- شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۳). خانواده متعادل، تهران، انجمن اولیاء و مربیان
- سادوک، بنجامین جیمز و سادوک، ویرجینیا ای (۱۳۹۴). خلاصه روانپزشکی کاپلان و سادوک، ترجمه مهدی گنجی، تهران: نشر ساوالان.
- عروجی، الناز (۱۳۹۵). بررسی رابطه ویژگی های شخصیتی مادران با بیش فعالی فرزندان 6 تا 8 ساله منطقه 5 تهران، پایان نامه چاپ نشده کارشناسی روانشناسی، دانشگاه پیام نور کرج.
- فرانسیس، آلن (۱۳۹۲). مبانی تشخیص روانپزشکی بر اساس DSM-IV. ترجمه عبدالرضا منصوری راد. تهران: نشر ارجمند.
- گنجی، مهدی (۱۳۹۲). اختلالات شخصیت در آسیب شناسی روانی بر اساس DSM-IV. ج دوم. تهران: ساوالان.
- ولیدی، سینا، شریفی، شهرام، کاشفی، هاجر، خان پور، فرزانه (۱۳۹۹). بررسی مقایسه های اختلالات شخصیت بین زوجین متقاضی طلاق مراجعه کننده به مراکز مشاور خانواده و زوجین غیر متقاضی طلاق شهر سمنندج، مجله روانشناسی و روان پزشکی شناخت، ۷(۲۱): ۱۵-۲۹.

- personality disorder profile of women in divorce women with unmarried women in divorce in Tabriz city. Annual Congress of Iranian Psychiatric Association,28.
- Charania, M. R. (2007). Personality influence on marital satisfaction: An examination of actor, partner, and interaction effects. University of Texas at Artington, 14, 187-208.
  - Crosini, R.Y. (1999). The dictionary of psychology.Berunner/ Mazel. Kaplan H. Sadocks B. Synopsis of psychiatry. 9th Ed. Philadelphia: Lippincott Williams and Wilkins; 2007.p.48-50.
  - Elghonemy S. EPA-0152- Quality of life in Substance Abuses. Impact of Personality Disorders. European Psychiatry. 2014; 29:1.
  - Kaufman, A. (2011). Personality, partner similarity and couple satisfaction: Do opposites attract or birds of a feather flock together. Retrieved by <https://www.prepare-enrich.com>, 26 Oct 2014.